

## باسمه تعالی

تلخیصی از فصل پنجم کتاب دگرگونی ساخت دولت در ایران پیش مدرن تألیف دکتر احمد درستی

با موضوع «ساخت دولت در عصر زنده و قاجاریه»

گردآوری: میلاد موحیدیان، درس مطالعه اسناد و متون تاریخی، ۹۷/۰۹/۱۱

### مقدمه

مرگ نادرشاه افشار نقطه پایانی بود بر امپراطوری بزرگ و چند ملیتی او و آغازی بر جنگ های داخلی و برادرکشی های بی رحمانه که با تاراج شهرها و روستاها و خرابی مزارع و آبادی ها و ویرانی های بازارها و بسته شدن کارگاه ها و تجارتخانه ها و آوارگی هزاران هزار جمعیت بی دفاع در سراسر کشور همراه بود. این نابسامانی ها نزدیک به بیست سال طول کشید (از مرگ نادر در ۱۷۴۷م تا استقرار بلامنزاع کریم خان زند در ۱۷۶۵م). پس از نادرشاه، ایران شاهد روی کارآمدن دو ایل مهم با نام های زند و قاجار می باشد که در ادامه به نحوه روی کارآمدن این دو و ویژگی های نهادی دولتشان خواهیم پرداخت. از آنجا که هر دو ایل زند و قاجار، بر مبنای روابط ایلی و نه مذهبی (مثل صفویان) یا نظامی (مثل افشاریان)، به اقدامات سیاسی اجتماعی دست زدند، میتوان گفت، وجود پیوندهای ایلی در این دو، مهمترین عامل پیوند نخبگان در این دوره به شمار می رود. در اینجا، بر آنیم تا مهم ترین ویژگی های پیوند ایلی را بر شماریم؛ همبستگی بر اساس عصبیت، جمع گرایی و بیگانه هراسی، اطاعت از اقتدار سنتی، اهمیت فراوان مشورت با بزرگان ایل در تصمیم گیری ها، احتمال جدایی طلبی در داخل ایل، از مهم ترین ویژگی های پیوند ایلی به شمار می روند.

### ۱. ایل زند؛ از بازگشت به زادگاه تا تشکیل حکومت

کریم خان زند که در دوره حکومت نادر، به همراه افراد ایل خود و به اجبار حکومت مرکزی، به خراسان کوچ کرده بود، همه خانوارهای ایل زند را به وطن پیشین خود بازگرداند. حاکم همدان که از قدرت روزافزون ایل زند بیمناک بود، دوبار با آنها درگیر شد و هر دو بار شکست خورد و همین شکست های پیاپی باعث انتشار شهرت خان زند در تمام ایران شد. کریم خان زند با ایجاد اتحاد با یکی از قبایل مقیم گلپایگان به رهبری علی مردان خان، به اصفهان حمله برد و ابوالفتح خان حاکم اصفهان را شکست دادند. با وساطت بزرگان شهر، معاهده ای بین این سه نفر نگاشته شد که بر مبنای آن کریم خان، به سرداری کل عراق عجم رسید و لذا با استفاده از این جایگاه، شروع به لشکرکشی به سوی قزوین و کرمانشاهان نمود.

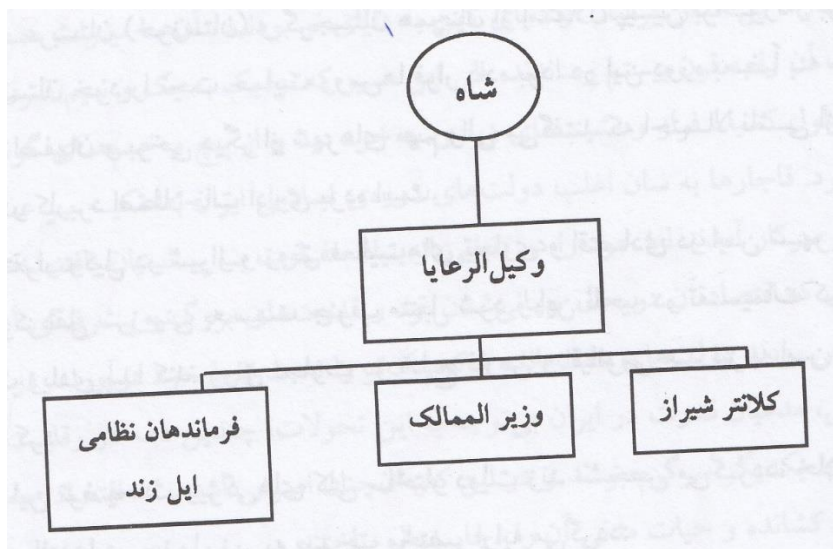
با عهد شکنی علی مردان خان، کریم خان به اصفهان بازگشت و با وی درگیر شد و این درگیری در مناطق مختلف کشور تکرار می شد تا در نهایت به شکست کامل علی مردان خان انجامید. حال نوبت آن بود که رقیب سرسخت دوم که ایل قاجار بود و در این مدت نیز با همپیمانی با دشمنان خان زند، سعی در مقابله با کریم خان داشتند، از میان برداشته شود. در چند جنگ پیاپی قاجارها شکست خوردند و در آخرین مورد نیز به علت طولانی شدن محاصره شیراز و کمبود غذا و علوفه، بسیاری از سربازان ایل قاجار به کریم خان پیوستند و برخی از سرداران سپاه وی نیز او را تنها گذاشته و سرانجام توسط یکی از یاران خود کشته شد. با شکست مهمترین رقیب کریم خان، وی طی ۷ سال به سرکوب کردن کسان در سراسر کشور پرداخت و پس

از ایجاد آرامش در سراسر کشور، به شیراز برگشت و تا زمانی که زنده بود (۱۷۷۹م)، هیچگاه از ایران خارج نشد و دوره ۱۴ ساله حکومت او، ایران دوره ای از آرامش نسبی را تجربه می کند.

## ۲. ایل زند؛ از تشکیل حکومت تا فروپاشی و اضمحلال

کریم خان زند به رغم داشتن روحیات انسانی و خصایص شایسته که وی را از دیگر پادشاهان سفاک متمایز می کرد ولی در بعد نهادی و کشورداری، اثر ماندگاری از خود بر جای نگذاشت. وی پس از رسیدن به قدرت، موقعیت های گروه های ایلی در ایران را تضعیف نکرد و آنها را در قدرت مشارکت داد. کریم خان هیچگاه سعی نکرد تمام مناصب حکومتی را منحصر در اختیار ایل و قبیله خود قرار دهد. وی در اغلب موارد حاکمان سربه راه ایلات را در مقام خود ابقا می کرد و تا جایی که ممکن بود از عزل حکام خودداری می کرد.

حال ضروری است وضعیت سه لایه نهادی دیوانسالاری، نظامی و مذهبی در این دوره را مورد بررسی قرار دهیم؛ در این دوره دیوانسالاری گسترده ای ایجاد نشد و وزیر که در رأس دستگاه دیوانی قرار داشت، قدرت چندانی نداشت و تقریباً هم ردیف با مستوفی الممالک تلقی میشد. کریم خان اگرچه به توسعه دیوانسالاری مرکزی علاقه نداشت لکن در اداره امور شهری، علاوه بر حاکم، هفت مأمور دولتی منصوب میکرد که عبارتند از: وزیر، مستوفی، وکیل الرعایا، محصص، کلانتر، محتسب و نقیب. در دوره حکومت زندیه، با مالیات گیری کمتر و دیوانسالاری محدودتر، شاهد رضایت بیشتری در بین مردم نسبت به حکومت هستیم. در زمینه امور نظامی، اگرچه خود کریم خان زند نظامی لایقی بود ولی با روی کار آمدنش، نفرت ارتش را کاهش داد. مجموع نیروهای نظامی کریم خان ۵۹ هزار نفر بود که یک دهم نیروهای نظامی نادرشاه افشار به حساب می آید! در بحث از ساختارهای مذهبی نیز کریم خان با ایجاد مقرری ثابت برای علما و طلاب گام مهمی را برداشت ولی از جهت ساختار نهادی تغییری ایجاد نکرد و برخلاف دوره صفویه از صدر و ملاباشی خبری نیست و تنها موقعیت شیخ الاسلام ها تا حدودی تقویت شده است. شکل زیر ساخت نهادی دولت در عصر زندیه را نشان می دهد.



در بحث از قلمرو حکومت زندیه باید بگوییم که قلمرو حکومتی ایشان در نسبت با حکومت نادر، کاهش یافت و قلمرو واقعی این دولت از کناره های رودخانه ارس آغاز و تا تنگه هرمز ادامه داشت. همچنین مشابه عصر صفویان، مناطق مختلف کشور به ایالات و ولایات تقسیم میشد. همچنین استقرار وکیل در شیراز و رونق فعالیت های تجاری و اقتصادی در این شهر، باعث شد مرکز ثقل سرزمینی به سمت جنوب منتقل شود.

کریم خان در سال ۱۷۷۹م و در هشتادسالگی درگذشت و با مرگ وی، کشوری که اندک اندک می خواست روی آرامش ببیند، بار دیگر امواج فتنه و آشوب گردید. پس از وی ۶ تن دیگر از خاندان زند حکومت کردند که آخرین آنها لطفعلی خان زند بود و مجموع سالهای حکومت این ۶ نفر به ۱۵ سال تجاوز نمی کند. با بازشدن دروازه های شیراز توسط آقامحمدخان قاجار، در سال ۱۷۹۱م و سپس کشته شدن لطفعلی خان زند در ۱۷۹۴م، طومار حکومت خاندان زند برای همیشه پیچیده می شود و دوره جدیدی در تاریخ ایران آغاز می شود.

با این توضیحات، ویژگی های کلی ساختار دولت زند مشخص می گردد که خلاصه ای از این یافته ها در جدول زیر به صورت مختصر ارائه می شود.

ویژگی های اصلی	ابعاد ساختاری دولت زند	نوع پیوند	نوع ساخت
		ایلی	ایلی
گروه های حاضر: ایل زند، زنگنه، هداوند، احمدوند، اکراد شقاقی... ویژگی ها: متکثر، تا حدی همگن (برتری نسبی ایل زند)	بلوک قدرت	مبتنی بر عصبیت	غیر متمرکز (استقلال زیاد ایالات)
کوچک شدن دیوانسالاری، نامشخص بودن سازمان نظامی، قدرت گرفتن کلاتران شهرها، قدرت گرفتن شیخ الاسلام ها	ساخت نهادی	جمعگرایی و بیگانه هراسی	سطح نهادی پائین (غیر بورکراتیک)
کاهش قلمرو، تغییر مرکز ثقل سرزمینی به جنوب	ساخت قلمرو	اطاعت از ستتها	تفوق نیروهای نظامی بر دیوان سالاری

### ۳. ایل قاجار؛ از مبارزه با حکومت زندیه تا تشکیل حکومت قاجاریه

آقامحمدخان قاجار با شنیدن خبر فوت کریم خان زند، از شیراز می گریزد و خود را به میان قاجارهای ساکن در ورامین می رساند. آقامحمدخان با متحد کردن ایل خود، مناطق شمالی کشور را به تصرف خود در آورد و هرچند حکومت زند تلاش داشت تا از ایجاد حکومت متمرکز در شمال کشور توسط قاجارها جلوگیری کند ولی دقیقاً با همان طرفندی که قاجارها در پشت دروازه شیراز شکست خوردند، این بار، زندها در نفوذ به داخل قلعه استرآباد، ناکام مانده و شکست خوردند. قاجارها با شکست دادن حکومت زندیه، به سمت تهران و اصفهان آمده و آن را به تصرف خود درآوردند.

با این پیروزی ها در سال ۱۷۸۵م، بسیاری از مناطق کشور در اختیار آقامحمدخان قاجار بود. آقامحمدخان در طی سه سال سعی در تثبیت موقعیت خود نمود ولی با شنیدن خبر درگذشت جعفرخان زند و روی کار آمدن لطفعلی خان، تصمیم گرفت به شیراز حمله کند. بارها جنگ و درگیری بین دو لشکر صورت گرفت ولی هیچ یک به پیروزی نهایی یکی از دو طرف نمی انجامید تا در سال ۱۷۹۱م، با پیروزی نهایی آقامحمدخان قاجار، وی پیروزمندانه وارد شیراز شد و با کشتن لطفعلی خان زند در

سال ۱۷۹۴م، رسماً به حکومت زندیه پایان داد و سپس راهی مناطق شمال غربی ایران شد و دست به فتوحات بسیاری زد. در نهایت این فتوحات، آقامحمدخان قاجار در دشت مغان و مطابق رسوم صفویان، تاجگذاری کرد.

با روی کار آمدن آقامحمدخان قاجار در سال ۱۷۹۶م، یکپارچگی سرزمینی به ایران بازگشت، کشور از آشوب سیاسی بیرون آمد، دولت مرکزی استحکام یافت، وضعیت اقتصادی تا حدودی بهبودی پیدا کرد و بارقه‌هایی از تجدید حیات فرهنگی و مذهبی در افق مملکت پدیدار گشت. بر روی لایه‌های دیوانسالاری در دوره قاجار نشان از آن دارد که دیوانسالاری در عصر ایشان، توسعه یافته و روش‌های تازه‌ای در امور اداری به کار بسته شد. با این حال روند استخدام افراد بیشتر تابع بستگی و آشنایی با بزرگان کشور بودنه لیاقت‌ها و شایستگی‌های شخصی افراد و همین رویکرد باعث شد نظام اداری قاجار در انحصار چند خانواده مهم باقی بماند. گماشتن شاهزادگان به حکمرانی ایالات و ولایات یکی دیگر از رویکردهای نهادی قاجارها به شمار می‌رود که موجب تحکیم بنیان سلطنت قاجاری، ایجاد دربارهای ایالتی و ولایتی و به وجود آمدن قشر زمیندار بزرگ از شاهزادگان میشد. البته این رویکرد آسیب‌هایی از جمله رقابت بین شاهزادگان و بحران سیاسی را نیز در پی داشت.

در ساختار نهادی قاجارها، صدر اعظم در رأس ساختار قرار دارد و حیطه اختیارات آن بسیار گسترده از سابق شده است به نحوی که در عمل صدراعظم اداره امور کشور را بر عهده دارد. صدراعظم علاوه بر تغییر خط مشی کلی دولت، اکثر انتصابات، صدور دستورات، اعزام افراد به مأموریت‌های خارجی، تخصیص بودجه، گفتگو با نمایندگان خارجی و... را بر عهده دارد و همین اختیارات گسترده در برخی از موارد موجب ایجاد حس حسادت پادشاه و دربار به وی میشد و در نهایت به قتل صدراعظم‌های شایسته‌ای مانند امیرکبیر منجر میشد. احیای نهاد اتابکی یکی دیگر از تغییرات ساخت نهادی در عصر قاجارهاست و اتابکان مامور تربیت شاهزادگان هستند و بسیاری از آنان در انتها به مقام صدراعظمی واصل می‌شدند. جداکردن منصب ایلخانی از نهاد سلطنت، از دیگر تغییرات نهادی این دوره به حساب می‌آید.

در بحث لایه نظامی حکومت قاجارها، ابتدا شامل پراکندگی تشکیلات نظامی هستیم اما با روی دادن جنگ‌های ایران و روس، گام‌هایی برای اصلاحات در تشکیلات نظام برداشته می‌شود. به کارگیری سربازان به دو صورت اجباری و داوطلبانه، احداث سربازخانه‌های دولتی، کارخانه‌های مهمات‌سازی و... از جمله این اقدامات بود که به علت‌های مختلفی از جمله کارشکنی‌های رؤسای ایلات و... نتوانست عامل موفقیت چشمگیری برای ایران شود.

در این دوره برخلاف دوره صفویان، رشته‌های دین و دولت به تدریج گسسته می‌شود و جایگاه نهادهای نظامی کشور بسیار تضعیف می‌شود و علماً به عنوان رهبران مردمی مردمی، در سراسر قرن هجدهم میلادی، نفوذ فراوانی می‌یابند و تنها گروه اندکی از علما تحت عنوان امام جمعه تهران با حکومت همکاری می‌کردند. علت اصلی این رویداد، تغییر رویکرد علما از سوی حکومت به سمت تجار و بازرگانان است چراکه بعد از صفویه، حامی دولتی ایشان از بین می‌رود و این نفوذ در حدی بالا می‌رود که در ماجرای تنباکو و بعد از آن مشروطه، به ایجاد شکاف و تعارض میان مرجعیت و دستگاه سلطنت می‌انجامد. ساختار نهادی دولت قاجار، در تصویر زیر نشان داده شده است.

